



کدام معلم؟ کدام احترام؟

کاظم مسعودی

آیا تا به حال به شایسته‌ترین معلمی که باید احترامش کنید، اندیشیده‌اید؟ اصلاً آن معلم شایسته احترام کیست؟ معلم چه کسانی است؟ معلم چه درسی؟ سرش شلوغ است یا نه؟ مشهور است یا بی‌نام و نشان؟

البته هر کس ملاک خاص خودش را دارد؛ یکی به معلم هنر ارادت ویژه دارد، یکی به معلم ادبیات، و دیگری به معلم درسی مثل شیمی یا ریاضی و... شاید معلم قرآن برایتان مهم‌تر باشد و یا شاید معلم دوره ویژه‌ای مثل معلم دوره دبستان و... یا اگر کسی استاد دانشگاه باشد او را بیش‌تر از معلم دبستان احترامش می‌کنید. مربیان ورزش و تربیت‌دنی هم طرفداران زیادی دارند، همه این نظرات شایسته احترام‌اند، اما...

امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام همه این سؤالات را در یک جمله کوتاه پاسخ داده‌اند: «کسی که به تعلیم و تربیت و پرورش نفس خود بپردازد، برای احترام و بزرگداشت شایسته‌تر از آن کسی است که به تعلیم و تربیت مردم می‌پردازد.»*

این مقام، مجانی به‌دست نمی‌آید، تلاش پیگیر و مستمر می‌خواهد، در حقیقت، از سخت‌ترین تلاش‌هاست، هم سخت است هم بی‌سر و صدا؛ بی‌هیچ مزد و موجب ظاهری در این دنیا، اصلاً برای همین به آن، جهاد اکبر هم می‌گویند؛ به‌خاطر سختی زیاد این کار، و این‌که هرچه نفس انسان سرکش‌تر باشد، رام کردن و تربیت او هم سخت‌تر است. حالا اگر قبول کنید که پادشاه و ارتقا درجه‌ها باید براساس سختی کار باشد، این حق را خواهید داد که شایسته‌ترین احترام‌ها را فقط به مجاهدترین انسان‌ها باید تقدیم کرد؛ انسان‌هایی که بتوانند بر این نفس سرکش و چموش پیروز شوند.

* نهج‌البلاغه، کلمات قصار، شماره ۷۳.

یافتن خود حقیقی

چند جمله حکیمانه از استاد مرتضی مطهری

فاطمه عسگری

– انسان با ایمان، روحی مطمئن، اعصابی آرام و قلبی سالم دارد.

– یکی از شرایط موفقیت انسان، درک کردن قیمت و ارزش وقت است.

– توکل، تضمین الهی است برای کسی که همیشه حامی و پشتیبان حق است.

– آخرین حد علم یک عالم این است که اقرار می‌کند به نادانی خویش.

– درخت انسانیت اگر بخواهد به راستی بارور و میوه‌ده باشد باید ریشه توحیدی و ایمانی داشته باشد.

– یکی از علامت‌های مسلمانی، پیدا کردن راه معتدل و میانه است.

– امر به معروف، از نوع دفاع از حقوق انسانیت است، نه دخالت در آزادی‌های فردی.

– انسان اگر خدایش را فراموش کرد، خودش را فراموش کرده است.

– سلامت تن، سلامت روح و سلامت اجتماع، همگی به تقوا بستگی دارد.

– انسان خود حقیقی‌اش را در عبادت و در توجه به ذات حق پیدا می‌کند.

– عبادت آن‌گاه اثربخش است که جذب روح شود.

– حداقل اثر ایمان این است که یک مومن عادی مطمئن می‌شود که کار خوب در نزد خدا از بین نمی‌رود.

– قلب سالم، یعنی دلی که هیچ نوع بیماری از قبیل کینه، حسادت و سایر صفات مذموم نداشته باشد.

این مرد باید بالا بنشیند

سیده زهرا برقعی

همه خیال می‌کنند پدرم چون پرفسور بود و برای خودش اسم و رسمی داشت، فقط با دانشگاهی‌ها ارتباط برقرار می‌کرد، اما علاقه پرفسور «حسابی» به علم، بی‌حد و حساب بود؛ مخصوصاً که ارتباط بسیار نزدیکی با شهید مطهری و مرحوم علامه جعفری داشت. آقای دکتر، یک صندلی جداگانه سفارش داده بود بسازند که شبیه هیچ کدام از صندلی‌های دیگر نبود. این صندلی، پانزده سانت بلندتر از بقیه بود و مرحوم پدرم می‌گفت این متعلق به آقای مطهری است.

آدم گاهی هزار جمله می‌گوید که یک معنی از آن در نمی‌آید و گاهی یک صندلی درست می‌کند که صدها معنی دارد. این نشان دهنده چیزی است که ما به کلی از یاد برده‌ایم. آقای دکتر حسابی با این کار می‌خواستند صراحتاً استاد مطهری را در جایگاهی بالاتر از دیگران بنشانند.

هفته‌ای یک‌بار پدر و شهید مطهری با هم جلسات حافظ‌شناسی داشتند. در حالی که آدم خیال می‌کند آقای مطهری باید فقط دنبال زبان عربی باشد، ولی یک ادبیات‌شناس حرفه‌ای بودند. به تاریخ هم خیلی علاقه داشتند. شب‌های متوالی پیش آمده بود که شهید مطهری می‌آمد خانه ما و با آقای دکتر، ستاره‌ها را رصد می‌کردند. پدر می‌گفت این آقای مطهری، فیزیک هم می‌داند. لیزر را که اختراع کردند، شهید مطهری سه ماه تمام، همراه مرحوم علامه جعفری می‌رفتند دانشکده علوم و همراه پدر، درباره خواص لیزر، اندازه‌گیری‌های لیزر و بریدن ورقه‌های روی با لیزر آزمایش می‌کردند. در روزگاری که کسی اجازه نداشت کتاب‌های شهید مطهری را بخواند، دکتر حسابی کتاب‌های ایشان را به دانشگاه می‌برد و به دانشجویهایش هدیه می‌داد. می‌گفت: کتاب‌های این مرد، استثنایی است.